

دربچه

نویسندگان جاده ابریشم با مخاطبان دیدار کردند

● گروه ادب: شهر کتاب مرکزی، پنجشنبه، ۵ اردیبهشت، میزبان نویسندگان و شاعرانی از کشورهای چین و ایران بود. در این نشست ابتدا جانولیی هونک به همراه شمس‌لنگرودی به شعرخوانی و گفت‌وگو درباره شعر ایران و چین پرداختند.

جانو لی‌هونگ درباره شعر و ترجمه آن به زبان‌های دیگر گفت: «شعر تحول شاعر است، به نظرم به این سؤال نمی‌شود جواب قطعی داد». وی درباره آشنایی با شعر شاعران کهن ایران گفت: «شاهنامه فردوسی را خوانده‌ام، به نظرم بسیار باشکوه بود و این نشانه تمدن و فرهنگ غنی ایران است. روح شعر لی‌بنگ شاعر ما با حافظ، شبیه هم هستند و خوشحالم که اکنون شعر معاصر چین می‌تواند به زبان فارسی ترجمه شود و بسیار خرسندم که مجموعه شعر خودم از چینی به فارسی ترجمه شده و گفته می‌شود این اولین مجموعه‌شعری است که مستقیم از چینی به فارسی ترجمه شد».

پس از آن شعر «پرواز» توسط شاعر خوانده شد. لی هونگ در پایان شعر گفت امیدوارم هر کسی که این شعر را می‌شنود، پری در قلبش پرواز کند و در ادامه شعری به نام «سایه من» را خواند، با این امید که هر انسانی سایه‌ای واقعی داشته باشد و به دنبال شناخت سایه خود برود.

به گزارش روابطعمومی شهر کتاب مرکزی، در ادامه بخش بزرگسال با عنوان «شعر در حرکت»، شمس‌لنگرودی با اشاره به حضور خود در چین، به شاعر چینی گفت: «شما گفتید هیچ‌وقت فکر نمی‌کردید برای شعر به ایران دعوت شوید، من هم وقتی به چین دعوت شدم همین حس را داشتم و این باعث خوشحالی و دلگرمی است که برای شعر به کشور دیگری دعوت شوی». لنگرودی در ادامه درباره امکان ترجمه‌پذیری شعر گفت: «اینکه می‌گویند شاعر شعر خائن است، مخرفی بیش نیست، اما ترجمه شعر بسیار دشوار است. من حتی وقتی می‌خواهم از گیلکی به فارسی ترجمه کنم، سخت است. شعر بار فرهنگی، ایهام و گذشته را به همراه دارد». در ادامه، لنگرودی که در حال چاپ کتابی به زبان اسپانیایی است، گفت‌وگوی خود و مترجم اسپانیایی‌زبان‌ش را درباره ترجمه شعر لورکا نقل کرد: «به مترجم کتابم که به هردو زبان اسپانیایی و فارسی مسلط است گفتم درباره اینکه می‌گویند شاملو شعر لورکا را خراب کرده چه می‌گویی و او در جواب گفت تفاوت‌های جزئی دارد، اما نه‌اینکه کاملاً بی‌ربط باشد، اما به‌عنوان فردی اسپانیایی که فارسی هم بلد است، باید بگویم ترجیح می‌دهم شعر لورکا را به فارسی بخوانم».



لنگرودی درباره کتاب تازه‌اش به نام «کتاب موسیقی» گفت: اشعار این کتاب در ستایش سازه‌است و برای نوشتن این اشعار سال‌ها تاریخچه سازها را مطالعه کردم و چون همیشه مسئله اصلی‌ام موسیقی بود، سال‌ها وقت گذاشتم، ساعت‌ها به سازها نگاه کردم تا در نهایت بعد از سال‌ها ۳۹ شعر در مورد سازها سروده و به کتاب تبدیل شد. این شاعر در ادامه شعر نی و سنتور از این کتاب را برای حضاران خواند. در ادامه برنامه، دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور درباره ویژگی‌های ادبیات کهن چین و شعر معاصر این کشور صحبت کرد.

در بخش کودک با عنوان «نشست دل درخشان» سائون شوان، یکی از نویسندگان مطرح این کشور که در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه هانس کریستین آندرسن (نوبل ادبیات کودک) شده و شونه تائو به همراه سحر ترهنده، مهدی جحوانی، علی‌اصغر سیدآبادی، نویسنده و علی‌اصغر محمدخانی، مدیر بخش فرهنگی و بین‌المللی مؤسسه شهر کتاب، حضور داشتند و درباره آثار این نویسندگان صحبت کردند.

شونه تائو که برای اولین‌بار به ایران آمده و پیش‌تر از طریق فیلم‌های ایرانی با آن آشنا شده، گفت: «ایران مثل فیلم‌هایش زیباست و حتی از فیلم‌هایش زیباتر است و خوشحالم که کتابم اکنون در دست کودکان ایرانی و چینی است». در ادامه، مهدی جحوانی، مترجم کتاب «از این سر تا آن سر رودخانه»، درباره ویژگی‌های این اثر گفت: «این کتاب برای بچه‌های ۱۲ سال به بالاست و برخی از تکنیک‌های بزرگسالانه در آن به کار رفته، از جمله پایان باز، گرچه حس زده می‌شود که نویسنده می‌خواهد چه بگوید، اما از خطر پند و شعار به دور مانده. شخصیت‌های قصه مطلق نیستند، داستان خانواده‌ای متزلزل را به تصویر کشیده؛ پدر خودخواه، و مادری که در طرف دیگر رودخانه است و بین پدر و مادر شرکاب است و بچه در این میان نقش واسطه را برای این خانواده متزلزل بازی می‌کند».

باورم نیست ز بد عهدی ایام هنوز، امروز پنج سال گذشت از ... نمی‌دانم حالا چطور توصیف کنم این نبودن یا بودن را. گاهی اوقات نیم‌بیتی، دو، سه حرفی، عطری، نگاه خسته‌ای، نوبایی و نغمه‌ای آدم را مثل بوته خاری که میانه کویر گرفتار گردباد شده باشد، بی‌اختیار و عاجز می‌کند. هرازگاهی برای فرار از هجمه اطرافیان به موسیقی پناه می‌برم، اگر دلی و دستی باشد، مضرابی به ساز می‌زنم و اگر جرات بیش از این باشد، خودم را با نوایی آرام می‌کنم. هیچ هم لازم نیست چیز پیچیده و خاصی باشد. اتفاقاً غالب آن است که فارغ از هر‌چور فرهیختگی و فلسفه‌ای، به اشاره‌ای، به «سر تازیان‌های» توفانی در وجودت به‌پا می‌شود. در میان آرشو موسیقی اثری را برای آرامش انتخاب می‌کنم؛ «چشمه نوش»؛ چشمه‌ای ساری در تاریخ موسیقی ایران که همیشه جوشان است و باید از آن نوشید. مضراب‌های جاندار محمدرضا لطفی بر سیم‌های تار و آواز مثل همیشه پیچاپیچ محمدرضا شجریان در راست پنجه‌اک و مرکب‌خوانی بر شعری از حافظ و باباطاهر است که از آن اثری فاخر ساخته. چشمه نوش اثری است از اجرای کنسرت پاریس. آن دوره هم، دوره‌ای بوده است که در آن سبینه‌ها مالا‌مال درد بود و مرمی بر زخم‌های هنرناشان کمتر یافت می‌شد و سخن حکیمانه و دردمندانه حافظ همچنان که آن روز طنین داشت، امروز هم طنین دارد و چه‌سا که مهی‌تر هم به گوش می‌آید. نوای سحرانگیز تار لطفی مثل همیشه مستم می‌کند و وادار به تعقم می‌کند، این‌قدر می‌دانم که پنج سال است که دیگر امکانش نیست که به حرف و صوت از زبان و لب و مضراب محمدرضا لطفی سخنی بشنوم. فکر می‌کنم هرچه از لطفی گفته و نوشته‌ایم، کم است.

لطفی غم انسان و میهن داشت و این انسان را البته در کنار میهن می‌نشاند و می‌دید (دو چیز حاصل عمرست نام نیک و ثواب/ وزین دو درگیری کل من علیها فان). هنر یک هنرمند یعنی عرصه آزادی و «آن» زمانی هنرمند؛ یعنی عرصه‌ای که انسان درون خود را، احساس شخصی و تاریخی فرهنگ خود را، همه مکنونات خود را باید تهی کند، آن زمان است که شکل معرفت موسیقی هویدا می‌شود؛ معرفتی که هرچه بیشتر به آن چنگ می‌زنی اطرافت را بهتر می‌بینی و می‌شنوی. طنین مضراب‌های زیبای لطفی همراه با ریزها و تکریزهای تکنیکی و رویایی‌اش همراه با سکوت‌های بجا و متفکرانه‌اش، خود به تنهایی کار یک ارکستر را انجام می‌دهد و

به مناسبت سالگرد درگذشت استاد «محمدرضا لطفی»

ناظر روی تو صاحب‌نظرانند آری

حمید فرید



عکس مهدی حسینی

چنگ به دل آدمی می‌زنَد. عشق‌بازی لطفی با سازش آدمی را مدھوش می‌کند. در نواختنش همه تأکیدات (اکسنت‌ها) موجود در ردیف به وضوح شنیده می‌شود؛ تأکیداتی که وقتی در موسیقی ایرانی خوب و بااحساس استفاده می‌شود، آدمی را در عین لذت‌بردن از موسیقی هوشیار نگه می‌دارد و هوشیاری‌ای که اصل موسیقی کلاسیک ایران است. در آستانه روز بزرگداشت مقام معلم هستیم و چه تقارنی در روز وفات لطفی با این روز به وجود آمده است. برای اهالی موسیقی فرقی نمی‌کند چه در مکتب لطفی و روبه‌روی لطفی نشسته و مشق گرفته باشد یا چون من از نواخته‌ها و گفته‌هایش آموخته باشد و به یقین برای آیندگان نیز چنین رویایی‌اش همراه با سکوت‌های بجا و متفکرانه‌اش، خود به تنهایی کار یک ارکستر را انجام می‌دهد و

گفت‌وگو با ناصر حسینی مهر، کارگردان و مترجم

من اینجا تا نفس باقیست می‌مانم

آکادمی‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. بی‌دلیل نیست که مجموعه‌ای مثل «تئاترشهر» در طول دو، سه دهه گذشته نزدیک به ۳۰ مدیر انتصابی به خود دیده است که رزومه و کارنامه چندان درخشانی هم از آنان باقی نمانده. فقط کافی است نگاهی به وضعیت امروز این تئاتر بیندازیم که چطور هر روز بر بار مشکلاتش اضافه می‌شود. «تئاترشهر» بیشتر به یک «اتاق نگهدانی» مهجور شباهت پیدا کرده است که هر از چندی نگهدانی می‌آید و می‌رود بی‌آنکه دل و دماغی در اعتلا و پویایی آن داشته باشد یا برنامه‌ای مفید ارائه دهد. توصیه صادقانه من به این مدیران که از دوستان و همکاران محترم ما هستند، این است که واقعاً بهتر است به شغل‌های اصلی خودشان در تئاتر مثل آموزش‌نامه‌نویسی، تدریس، طراحی، نقد، داوری و... برگردند.

❧ **ولی هر مدیری که تاکنون برای این مجموعه تعیین شده، در جلسات مطبوعاتی برنامه‌هایش را مفصل ارائه داده است؟!**

بله، اما باید دید آن برنامه‌ها ـ چه واقعی و چه خیالی ـ چقدر تحقق پیدا کرده‌اند؟ تقریباً هیچ! دلیلش هم چیزی نیست جز اینکه آنها «برنامه» نیست، بلکه سلیقه و شعار و طرح‌های من‌درآوردی هستند؛ مثل پروژه «تئاتر برای همه» یا راه‌اندازی «مرکز پژوهشی» یا «دفتر دراماتوزی» در تئاتر شهر که بیشتر مربوط می‌شود به حوزه فعالیت‌های دانشگاهی و وزارت علوم یا ایجاد دفتری برای ممیزی در پشت نام پرطمطراق «ارزیابی هنری»! یا «مدیریت پروژه‌ای»! که مربوط می‌شود به مدیری که در روز اول دیدارمان از من خواست تا نوع تمرینات و چگونگی اجرای نمایشی را که قرار است چندین‌ماه بعد اجرا شود، در چهار صفحه به او ارائه بدهم تحت عنوان «مدیریت پروژه‌ای»! که در دکان هیچ عطاری پیدا نمی‌شود و درنداک‌تر از همه اینکه هرکدامشان هم که از راه می‌رسد، مایل است نیمی از سالن‌های مجموعه را چندین‌ماه یا چندسال تعطیل کند به بهانه تعمیرات، بازسازی یا نوسازی. آن‌هم با صرف بودجه‌هایی کلان که معمولاً صرف کارهایی می‌شود، چون همه ما شاهدیم که از هر سقفی در تئاتر شهر همواره آب چکه کرده و از هر سوراخی موش‌ها با چشمانی قشنگ به ما زل زده‌اند و می‌زنند



عکس: ایران شاتر

هنر

زیر آسمان فیروزهای

جایزه جهانی خبرنگاری

● نام چهار خبرنگار ایرانی در میان نامزدهای یک جایزه جهانی خبرنگاری قرار گرفت. گزارش‌های «کاسیان سانسو» نوشته علیرضا غلامی و حسن همایون (مجله تجربه)، «اگر به اتهام قتل یازداشت شوید و پول نداشته باشید...» نوشته فاطمه کریم‌خان (ایسنا) و «تلگرام؛ محبوب مغضوب» نوشته طاهره رحیمی (صدای پارسی) نامزدهای ایرانی این‌دوره از جایزه «داستان واقعی» هستند. این جایزه، خود را با عنوان نخستین جایزه جهانی خبرنگاری معرفی می‌کند. در جایزه جهانی «داستان واقعی» که سه برنده اصلی آن ۲۱ آگوست (۹ شهریور) در شهر برن، پایتخت سوئیس، اعلام می‌شود، ۹۲۴ روزنامه‌نگار از ده‌ها کشور شرکت کرده‌اند که آثارشان به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، فرانسوی، چینی، هندی، پرتغالی، اسپانیایی، ژاپنی، ایتالیایی و آلمانی بوده است. ۳۹ گزارش از ۱۲ زبان مختلف که در رسانه‌هایی مانند نیویورک‌تایمز، گاردین، لوموند، زودوویچه تسایتونگ، بی‌بی‌سی منتشر شده‌اند، به مرحله نهایی این جایزه راه یافته‌اند. داوری بخش ایران این دوره بر عهده امیرحسن چهلتن، محمد قائد و سرکه بارسقیان بوده است.

نخستین آلبوم شریف لطفی رونمایی شد

● «آوای ایران (محلی‌ها)» پرکردن حفره‌ای میان سنت و مدرنیته است. این رونمایی آلبوم «آوای ایران (محلی‌ها)» به آهنگ‌سازی «شریف لطفی» در فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار شد. آلبوم «آوای ایران (محلی‌ها)» ۶ اردیبهشت، با حضور اهالی هنر در فرهنگ‌سرای ارسباران رونمایی شد و شریف لطفی از تجربیات خود در مسیر آهنگ‌سازی این اثر سخن گفت. لطفی در ابتدا گفت: من خودم را آهنگ‌ساز نمی‌دانم و یک رهبر ارکستر هستم. خیلی خوب است اگر هرکس سر جای خودش کار کند، اما من خلأهایی می‌بینم که فکر می‌کنم بتوانم به پرشدن آنها کمک کنم. او ادامه داد: البته در فضای موسیقی ایرانی وقتی تصمیم می‌گیرید تا کار نو و تازه‌ای انجام دهید، همیشه عده‌ای هستند که سریعاً می‌گویند: وا ردیف! ما با ردیف‌نوازی شما کاری نداریم، بلکه می‌خواهیم مسیری را رو به جلو حرکت کنیم. بسیار عجیب است که تا امروز هیچ‌گاه برای این مسئله اقدامی جدی صورت نگرفته است. وی افزود: در این آلبوم بدون اینکه بر سستی‌بودن یا مدرن‌بودن تأکید زیادی داشته باشم، سعی کردم تا حفره‌ای میان این دو را پر کنم و برخلاف دیدگاهی که موسیقی ایرانی را تکتصدایی می‌بیند، اثری چندصدایی را آهنگ‌سازی کنم. لطفی با اشاره به موسیقی مناطق گفت: برخلاف موسیقی ردیف دستگاهی، وقتی شما به موسیقی مناطق نگاه می‌کنید این رویکرد چندصدایی را می‌بینید. شما نمی‌توانید مناطق خود را نادیده بگیرید و باید به آن رجوع کنید. گفتنی است اثر نخستین آلبوم رسمی منتشرشده از مؤلف بوده که به همراه پارتیتور قطعات ضبط شده، به همت «انجمن فیلم‌رمونیک ایران» طبع و توسط گروه فرهنگی «دبایه» منتشر شده است. مجموعه قطعات محلی‌ها، دو دهه پیش توسط شریف لطفی ساخته شده و در آلبوم پیش‌رو برای کوارتت سازهای ایرانی تنظیم شده است. اعضای کوارتت فیلم‌رمونیک تهران را علی ابراهیمی، فؤاد قهرمانی، امیرحسین نجفی و محمدرضا پوستی تشکیل می‌دهند.

پرواز ماهی‌ها برگزیده جشنواره هوستن آمریکاشد



● «پرواز ماهی‌ها»، به کارگردانی محمد توریوریان، جایزه رمی پلاتین از پنجاه‌ودومین دوره جشنواره هوستن در آمریکا را دریافت کرد. همچنین بهترین فیلم در هفتمین جشنواره VKRATZE روسیه شد. پرواز ماهی‌ها تنها نماینده ایران در پنجاه‌ودومین دوره جشنواره هوستن (جایزه رمی) در ایالت تگزاس آمریکا بود. این فیلم علاوه بر این در ۱۵ جشنواره جهانی دیگر حضور داشته است. پرواز ماهی‌ها در ادامه حضورهای جهانی در ماه می ۲۰۱۹ در بخش مسابقه چهاردهمین دوره جشنواره شرقی ژنو در سوئیس و در ماه ژوئن ۲۰۱۹ در شانزدهمین دوره جشنواره Fear No Film در آمریکا حضور خواهد داشت. حضورهای قبلی این فیلم در یازدهمین دوره جشنواره تورنتو، آمریکا، نوزدهمین دوره جشنواره Kids First آمریکا، دوازدهمین دوره جشنواره کودکان بنگلادش، سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران، شانزدهمین دوره جشنواره تصویر سال ایران و چند جشنواره دیگر در آلمان، هند، ترکیه، مکزیک، استرالیا، یونان، سوریه، پاکستان و اسکاتلند بوده است.